

مثبت‌اندیشی کشورهای آسیای مرکزی نسبت به جمهوری اسلامی

ایران با تکیه بر موضوع هسته‌ای

ابراهیم طاهری*

استادیار علوم سیاسی، دانشگاه یزد

محمد عابدی اردکانی

دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه یزد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۴/۲۸)

چکیده

بحران هسته‌ای به یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی ایران تبدیل شده بود. در نتیجه این بحران، موضوع هسته‌ای ایران از سازمان بین‌المللی هسته‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داده شد. نتیجه این مسئله، به‌کارگیری تحریم‌های بین‌المللی در قالب فصل هفتم شورای امنیت به‌ویژه در قالب قطعنامه ۱۹۲۹ بود. نگاه کشورها و مناطق مختلف به این مسئله متفاوت بود. در حالی که کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین در بحران هسته‌ای میان ایران و غرب به‌شکل ضمنی خواستار حمله نظامی به ایران بودند، کشورهای واقع در آن سوی مرزهای شرقی ایران یعنی منطقه آسیای مرکزی آشکارا اعلام می‌کردند که راه حل مسئله هسته‌ای ایران دیپلماسی است و باید به‌صورت صلح‌آمیز حل شود. ریشه نگاه مثبت کشورهای آسیای مرکزی به جمهوری اسلامی ایران چیست؟ در پاسخ می‌توان مطرح کرد که دلایل نگاه مثبت کشورهای آسیای مرکزی به جمهوری اسلامی ایران ناشی از مجموعه ملاحظات سیاسی - امنیتی، اقتصادی و فرهنگی است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که ترس از واکنش جدی ایران و سرایت بی‌ثباتی به درون منطقه آسیای مرکزی، جایگاه ژئواکونومیک ایران نزد کشورهای آسیای مرکزی، احساس همبستگی با ایران به دلیل اشتراک‌های فرهنگی و نگاه به ایران به‌عنوان موازنه‌بخش در مقابل کشورهای هم‌چون ترکیه، پاکستان و اسرائیل بر می‌گردد. هدف این نوشتار بررسی ریشه‌های نگاه مثبت کشورهای آسیای مرکزی به جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها

آسیای مرکزی، ایران، تصمیم‌گیری، روابط فرهنگی، موازنه‌گر.

مقدمه

مثبت‌اندیشی نتیجه‌نوعی برداشت ذهنی از قابلیت‌هایی است که یک کشور می‌تواند برای دیگری ایفا کند. به‌شکلی که هرگونه اقدامی از سوی کشور الف می‌تواند نتایج سودمندی را برای کشور ب در پی داشته باشد. پی‌بردن به جنبه‌های مثبت در مقایسه با آثار منفی از عوامل مثبت‌اندیشی است. در واقع تغییر نگرش از منفی‌گرایی به مثبت‌گرایی نتیجه‌فرایندی بلندمدت است که البته به‌نوعی ناشی از رابطه‌ای دوطرفه و تعاملی است؛ بنابراین مثبت‌اندیشی ضمن آنکه ریشه در واقعیت‌های عینی دارد؛ به‌نوبه خود برخاسته از اندیشه و تفکرهای شخص در مرحله اول و نخبگان حاکم بر دستگاه سیاست خارجی یک کشور در مرحله دوم است. برای نمونه در حالی که بیشتر کشورهای حوزه خلیج فارس نسبت به برنامه هسته‌ای ایران نگاه بدبینانه‌ای داشتند و به‌صورت ضمنی از اقدام یک‌جانبه آمریکا و اسرائیل علیه ایران در این مورد حمایت می‌کنند (مانند عربستان سعودی)، کشورهای آسیای مرکزی نگاه مثبت‌تر و حاکی از احتیاط بیشتری را نسبت به برنامه هسته‌ای ایران در دستور کار قرار داده‌اند. آن‌ها هرگونه حمله یک‌جانبه به این کشور با هدف نابودی تأسیسات هسته‌ای‌اش را رد و خواستار راه‌حلی صلح‌آمیز برای این مسئله بودند. برای نمونه، ازبکستان نسبت به مسئله هسته‌ای ایران سکوتی حاکی از طرفداری نکردن از دو طرف این منازعه داشت. ترکمنستان به دلیل داشتن مرز مشترک و روابط اقتصادی سطح بالا با ایران از این کشور حمایت می‌کند. تاجیکستان نسبت به همه کشورهای آسیای مرکزی نگاه مثبت‌تری به برنامه هسته‌ای ایران داشت. این در حالی است که قرقیزستان و رئیس‌جمهوری آن به‌شدت با هرگونه حمله یک‌جانبه به تأسیسات هسته‌ای ایران از راه پایگاه ماناس قرقیزستان مخالفت می‌کرد؛ اگرچه این پایگاه در حال حاضر در اجاره آمریکایی‌ها نیست و قرقیزستان خواستار راه‌حلی صلح‌آمیز برای این مسئله بود.

قزاقستان نیز مواضع جامعه بین‌المللی در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران را به چالش می‌کشد. از سویی نیز از ایران می‌خواهد که در این رابطه با جامعه بین‌المللی همکاری بیشتری داشته باشد. برای نمونه در نوامبر ۲۰۱۱ رئیس‌جمهور این کشور، نورسلطان نظربایف در اظهار نظری رسانه‌ای اعلام کرد که مجازات‌های کنونی کفایت می‌کند؛ زیرا نتیجه‌گیری‌های سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای مبهم بوده است. بازرسان سازمان باید بار دیگر برای پژوهش‌های بیشتر به مرکزهای هسته‌ای ایران وارد شوند. او از آمریکا می‌خواهد که به‌شکل مستقیم برای حل مسائل باقی‌مانده وارد گفت‌وگو با ایران شود. حال با توجه به این مفروض‌ها این پرسش اساسی مطرح می‌شود که دلایل نگاه مثبت کشورهای آسیای مرکزی به جمهوری اسلامی ایران چیست؟ آیا ملاحظات اقتصادی، سیاسی و امنیتی - راهبردی در ایجاد چنین نگاهی تأثیرگذار

است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان مطرح کرد که مجموعه‌ای از ملاحظات سیاسی، اقتصادی، امنیتی - راهبردی به‌عنوان دلایل نگاه مثبت کشورهای آسیای مرکزی در مقایسه با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نسبت به جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کند. برای نمونه در حالی که کشورهایی همچون تاجیکستان و ترکمنستان با ایران روابط تجاری و اقتصادی مناسبی دارند، ازبکستان و قرقیزستان انگیزه سیاسی - راهبردی دارند و نگران گسترش بی‌ثباتی سیاسی در منطقه و شیوع آن به درون مرزهایشان و فعال‌شدن گروه‌های اسلام‌گرا در کشورشان هستند. قزاقستان نیز به‌عنوان کشوری تأثیرگذار در آسیای مرکزی از شیوع بی‌ثباتی و احتمال واکنش شدید ایران در پاسخ به حمله نظامی به این کشور نگران است؛ بنابراین مثبت‌اندیشی کشورهای آسیای مرکزی نسبت به جمهوری اسلامی ایران ناشی از باورهای این کشورها به کارکردی است که ایران می‌تواند در این نظام فرعی منطقه‌ای ایفا کند.

در راستای اجرای فرضیه نوشتار در بخش اول، چارچوب نظری را بر اساس نظریه خرد کنشگر عقلانی یا خردمند بیان می‌کنیم. در بخش دوم روابط اقتصادی ایران و آسیای مرکزی را بررسی می‌کنیم که حاکی از نیاز این کشورها به ایران و قلمرو ژئوپلیتیکی آن برای دستیابی به دریای آزاد است. در بخش دوم ریشه‌های سیاسی - امنیتی نگاه مثبت آسیای مرکزی به ایران و تمایل نداشتن به استفاده از زور علیه ایران را مورد توجه قرار می‌دهیم که در قالب دو بخش حفظ ایران به‌عنوان موازنه‌گر و در مرحله بعد ترس از واکنش ایران و شیوع بی‌ثباتی در منطقه خواهد بود. در بخش سوم وابستگی‌های فرهنگی و حمایت این کشورها از ایران به‌ویژه در تاجیکستان را بررسی می‌کنیم. در آخر نتیجه‌گیری بیان می‌شود.

چارچوب نظری

نظریه تصمیم‌گیری با اینکه الگوهای گوناگونی دارد؛ ولی همه در این نکته مشترکند که به‌عنوان دیدگاه خرد تلقی می‌شوند؛ زیرا از دیدگاه نظریه‌پردازان تصمیم‌گیری، سطح تحلیل کلان و بین‌المللی برای پیشبرد هدف‌های سیاست خارجی اهمیت فرعی و حاشیه‌ای دارد. بنا به تعریف، تصمیم‌گیری^۱ فقط عمل‌گزینش میان راه‌حل‌های جایگزین یا بدیل‌های موجودی است که در موردشان یقین و قطعیت نداریم (Dougherty and Pfaltzgraff, 1995: 720). تصمیم‌گیری فرایندی است که در آن شیوه عمل خاصی برای حل یک یا چند مسئله انتخاب می‌شود. تصمیم‌گیری، کانون توجه آن دسته از دانشمندان علم سیاست است که به تحلیل رفتار تصمیم‌گیری رأی‌دهندگان، قانون‌گذاران، مقام‌های اجرایی، سیاست‌مداران، رهبران، گروه‌های ذی‌نفوذ و سایر بازیگران صحنه سیاست علاقه داشته‌اند. نظریه تصمیم‌گیری دیدگاهی خرد

است که محور مطالعاتی آن، بازیگر ملی و رفتار خارجی آنها است. تلاش در دولت‌های ملی برای دستیابی به منافع در ورای مرزهای سیاسی خود، به شکل‌گیری ساختارهای خاص بین‌المللی می‌انجامد. به عکس دید کلان‌نگر، که به نظام بین‌الملل، ساختار قدرت و سرانجام نقش الزام‌های آن در محدودسازی انتخاب‌های سیاست خارجی تأکید می‌کرد، نظریه تصمیم‌گیری نگاهی خرد دارد (Seifzadeh, 1997: 26).

از میان نظریه‌های تصمیم‌گیری الگوی بازیگر خردمند بیشتر توجه‌گر پژوهش ما است؛ زیرا در این رویکرد کنشگر در پی به حداکثر رساندن نتیجه تصمیم خویش است. به بیان دیگر، پس از مرور همه بدیل‌های موجود و پس از به دست آوردن حاصل ضرب ارزش‌های وزن دار و احتمال‌های برآورده شده، تصمیم‌گیران می‌توانند روش بهینه را انتخاب کنند (Dougherty and Pfaltzgraff, 1995: 720). در این الگو افراد خردمند پیش از تصمیم‌گیری، به چند نکته توجه می‌کنند:

۱. روشن شدن ماهیت مسئله؛
 ۲. هدف‌های تصمیم: هدف از به کارگرفتن این تصمیم چیست؟
 ۳. راه‌حل‌ها یا گزینه‌های موجود: برای رسیدن به آن هدف‌ها چه گزینه‌هایی وجود دارد؟
 ۴. پیامد هر یک از گزینه‌ها: انتخاب هر یک از گزینه‌ها چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؟
 ۵. انتخاب: فرد خردمند پس از بررسی این راه حل، گزینه‌ای را که بیشترین مطلوبیت را دارد، انتخاب می‌کند (Alison, 1985: 27-28).
- این تحلیل‌گران توجه خود را به مفاهیم ویژه‌ای مانند هدف‌های ملت و دولت معین متمرکز می‌کنند. سرانجام به الگوهای مشخص نتیجه‌گیری روی می‌آورند؛ الگوهایی مانند این عبارت که «اگر دولتی چنین عملی انجام دهد، آن دولت باید چنین هدفی را داشته باشد» (Seifzadeh, 1997: 26). این نظریه‌پردازان معتقدند که عمل و عکس‌العمل در روابط بین‌الملل ناشی از امور محاسبه‌شده به وسیله دولت‌های مختلف است که مایلند منزلت خود را از وضعیتی مطلوب به مطلوب‌ترین وضعیت ارتقا بخشند.

محصور در خشکی بودن کشورهای آسیای مرکزی و نگاه ژئواکونومیک به ایران

همه کشورهای آسیای مرکزی محصور در خشکی هستند و برای ارتباط با جهان بیرون به کشوری ثالث و در برخی موارد به دو کشور نیاز دارند. به همین دلیل این کشورها برای صادرات کالاهای تولیدی خود به جهان بیرون، نفت، گاز، پنبه و... مجموعه‌ای از طرح‌ها را در بخش‌های حمل‌ونقل ریلی، جاده‌ای، خط‌های لوله انتقال نفت و گاز در دستور کار قرار داده‌اند. این کشورها برای کاهش وابستگی به روسیه و تنوع‌بخشی به مسیرهای صادراتی خود تلاش

دارند، این طرح‌ها را با حضور همه کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اجرا کنند. ایران از کشورهای آسیای مرکزی است که نقش چشمگیری را در طرح‌های برق - آبی، خط لوله‌های انتقال نفت و گاز، شبکه‌های ریلی و شبکه‌های جاده‌ای این کشورها دارد. برای نمونه به‌علت کمبود منابع فناوری و پولی و مالی برای اجرای طرح‌های جدید در بخش آب‌وبرق، تاجیکستان و قرقیزستان به خارج متکی هستند. در این زمینه ایران از همان ابتدای سال‌های بعد از فروپاشی اتحاد شوروی تلاش کرده است تا در طرح‌های برق - آبی منطقه حضور داشته باشد. همان‌گونه که در جدول ۱ نشان داده شده است، روسیه، ایران و چین مهم‌ترین تأمین‌کنندگان مالی این طرح‌ها هستند.

جدول ۱. طرح‌های اجرایی شده برق - آبی در کشورهای آسیای مرکزی

کشور مجری	مکان	هزینه (میلیون دلار)	ظرفیت	سد
روسیه و تاجیکستان	رودخانه وسخ	۳	۳۶۰۰ مگاوات	روغان
روسیه - تاجیکستان (۲۰۰۹)	رودخانه وسخ	-	۶۷۰ مگاوات	سنگ توده ۱
ایران و تاجیکستان	رودخانه وسخ	۳۰۰ میلیون دلار	۱۶۰-۲۲۰ مگاوات	سنگ توده ۲
چین	رودخانه زرفشان	-	۲۲۰-۱۶۰ مگاوات	زرفشان
پایان در سال ۲۰۱۰	رودخانه مارین	۲	۳۳۰۰ مگاوات	قنبر آتا ۱
ترکیه	رودخانه مارین	۱	-	قنبر آتا ۲

Source: Rould, 2008.

اگرچه روسیه بیشترین حضور را در طرح‌های جدید تاجیکستان و قرقیزستان دارد؛ اما ایران نیز به همراه چین و ترکیه در شمار ۴ کشور سرمایه‌گذار در کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه تاجیکستان است (Cooley, 2013: 5). برای انتقال کالا و خدمات به جهان بیرون و برعکس نیز، کشورهای آسیای مرکزی همان‌گونه که اطلاعات بانک جهانی نشان می‌دهد علاوه بر خط‌های حمل‌ونقل عبوری به‌سوی روسیه که در حال حاضر در مقایسه با مسیرهای جایگزین ارزان‌ترین خط‌ها هستند، مسیر ایران و چین را به‌عنوان یک اولویت برگزیده‌اند؛ چون با برآوردهای هزینه‌ای که انجام شده (همان‌گونه که در جدول ۲ نشان داده شده) مسیر ایران از ارزان‌ترین مسیرهای انتقال کالا و خدمات است.

جدول ۲. مسیرهای حمل و نقل و هزینه‌ها

راهرو	کیلومتر	روز	به دلار آمریکا
شمال روسیه (آلماتی - مسکو)	۴/۰۵۰	۱۷	۱۱۰۰
قفقاز شرقی (آلماتی - باکو)	۳/۹۴۳	۱۸	۱۸۰۰
ایران (آلماتی - تهران)	۳/۲۵۰	۱۶	۱۲۰۰
چین شرقی	۱/۳۳۸	۸	۱/۰۱۶

Sources: Kerali, 2011.

در بخش نفت و گاز نیز از آنجا که بیشتر کشورهای منطقه به ویژه قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان در زمره صادرکنندگان نفت و گاز در عرصه جهانی هستند برای انتقال نفت و گاز به جهان بیرون گزینه‌های مختلفی پیش روی نخبگان آسیای مرکزی است که علاوه بر خط‌های لوله انتقال نفت و گاز پیشین عبوری از روسیه،^۱ خط‌های لوله دیگری را در دست برنامه‌ریزی و اجرا قرار داده‌اند. ایران همان‌گونه که در جدول ۳ به آن اشاره شده است یکی از مسیرهای برگزیده انتقال نفت و گاز این کشورها در آینده نزدیک خواهد بود. این موضوع نتیجه انتخاب عقلانی دستگاه تصمیم‌گیری کشورهای آسیای مرکزی است؛ زیرا آن‌ها با بررسی گزینه‌های موجود و برآورد سود و هزینه این تصمیم‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که انتخاب مسیر ایران از نظر کوتاه‌بودن، هزینه‌های کمتری نسبت به دیگر مسیرها دارد. همچنین امنیت نسبی دارد؛ بنابراین از دیگر مسیرها عقلانی‌تر و منطقی‌تر است.

جدول ۳. خط‌های لوله‌های انتقال نفت طراحی شده جدید

خط لوله	مسیر	ظرفیت (میلیون بشکه)	طول (کیلومتر)	هزینه (دلار)	توضیحات
خط لوله نفت آسیای مرکزی	از راه ترکمنستان، افغانستان، بندر گوادر (پاکستان)	۱ میلیون بشکه در روز	۴۰۰۰	۲۵۰۰	همچنان اجرا نشده
قزاقستان، ایران، ترکمنستان	قزاقستان، ترکمنستان، جزیره خارک	۱ میلیون بشکه در روز	۱/۴۹۶	۱۲۰۰	کمبود سرمایه
ماورای قفقاز	آکاتو، باکو، بی‌تی‌سی	۵۰۰ هزار بشکه در روز	۷۰۰	-۲۰۰۰ ۴۰۰۰	رویال داج شل، شورونف تکزاکو، اکسون موبایل و قزاقستان
خط لوله کنسرسیوم دریای خزر	قزاقستان - نوروسیسک روسیه	۵۰۰ هزار	۹۴۰	۱۵۰۰	

Source: Perez Martin, 2009.

۱. برای جلوگیری از طولانی شدن مطلب در این بخش از اشاره به آن صرف نظر شده است.

همان‌گونه که اطلاعات جدول نشان می‌دهد مسیر ایران علاوه بر کوتاه‌بودن با ۱۲۰۰ دلار هزینه، ارزان‌ترین مسیر انتقال نفت خام کشورهای آسیای مرکزی به بازارهای مصرف است. ضمن آنکه با امضای موافقت‌نامه هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ به‌نظر می‌رسد که مسیر ایران دیگر با مخالفت جدی آمریکا روبه‌رو نشود. این موضوع نیز از مزیت‌های انتقال از مسیر ایران خواهد بود. چرا که برای نمونه طرح ماورای خزر که با هدف ساخت خط لوله‌ای در بستر دریای خزر است توسط روسیه به‌دلایل زیست‌محیطی همواره با موانع تراشی روبه‌رو می‌شود؛ مسیر افغانستان به‌سوی اقیانوس هند به‌دلیل ناامنی در افغانستان تحت تأثیر قرار گرفته است. با پایان سال ۲۰۱۲ راه‌آهن اوزن - گرگان به مسافت ۹۰۰ کیلومتر اجرایی شد و پیش‌بینی می‌شود که سالانه بتواند ۵/۵ میلیون تن کالا جابه‌جا کند. علاوه بر خط‌های لوله معاوضه سوخت بین ایران و قزاقستان سالانه به ۱/۲ میلیون تن می‌رسد، در این روش تولیدکنندگان نفت دریای خزر، نفت صادراتی خود را با تانکر به بندر «نکا» در ایران تحویل می‌دهند. سپس ایران این نفت را به پالایشگاه‌های تهران و تبریز انتقال می‌دهد. در ازای نفت دریافت‌شده در نکا، ایران معادل آن را در خلیج فارس در اختیار خریداران طرف قرارداد با کشورهای ساحلی دریای خزر قرار می‌دهد. قزاقستان و ترکمنستان براساس این نوع قرارداد با ایران همکاری می‌کنند (Koolae and Moadab, 2009: 44). صادرات نفت آسیای مرکزی به آسیای جنوب شرقی می‌تواند از راه قلمرو ایران و انتقال به خلیج فارس انجام شود که مسیری ارزان و امن است (Yermukanov, 2006). بنابراین ارزش خط لوله ایران، ترکمنستان و قزاقستان برای سه کشور به‌ویژه قزاقستان و ترکمنستان خیلی زیاد است و قزاقستان به ایران به‌عنوان مسیری پرسود و امن برای انتقال ذخایر هیدروکربن به جهان خارج می‌اندیشد.

در بخش گاز نیز اگرچه تقریباً ۹۰ درصد از گاز آسیای مرکزی از راه خط‌های لوله عبوری از خاک روسیه به بازارهای مصرف صادر می‌شود و تنها کمتر از ۸ میلیارد متر مکعب از گاز آسیای مرکزی یعنی تنها ۱ درصد آن از راه مسیر ایران صادر می‌شود (IEA, 2014)؛ اما کشورهای این منطقه با هدف متنوع‌سازی مسیرهای انتقال گاز خود و اتکای کمتر روسیه به ایران به‌عنوان یکی از مسیرهای انتقال صادرات گاز به بازارهای مصرف نگاه می‌کنند. به‌شکلی که در حال حاضر مسیر کورپژ - کردکوی از مسیرهای مهم انتقال گاز آسیای مرکزی در کنار شبکه خط لوله آسیای مرکزی است که در جدول ۴ با جزئیات به آن اشاره شده است.

جدول ۴. مسیرهای صادرات گاز آسیای مرکزی

لوله	مسیر	ظرفیت (میلیارد متر مکعب)	طول (کیلومتر)	توضیحات
شبکه لوله آسیای مرکزی	ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، روسیه	۶۰	۴.۹۰۰	دو شاخه دارد: بوجارا - اورالو به سمت خط لوله گاز برادری
کورپژ - کردکوی	ترکمنستان - ایران	۸	۱۹۹	-

Source: EIA, 2008.

خط لوله کورپژ - کردکوی اولین خط لوله‌ای است که سبب کاهش وابستگی ترکمنستان به روسیه برای انتقال انرژی به جهان خارج می‌شود، طرحی که ۹۰ درصد هزینه آن را طرف ایرانی و ۱۰ درصد را ترکمن‌ها می‌پردازند. گشایش این خط‌های لوله سبب شد تا ترکمنستان از سال ۲۰۰۷ برای قیمت‌های بالاتر گاز به روسیه فشار زیادی وارد کند (Eurasianet, 2008). چه در قالب راهروهای شمال - جنوب، راهرو آلتایید و راهرو شرق - غرب که قصد زنده کردن جاده ابریشم را دارد، جغرافیای ایران عنصری اساسی است. برای نمونه راهرو شمال - جنوب: موافقت‌نامه راهرو حمل‌ونقل بین‌المللی شمال - جنوب را در شهریور ۱۳۷۹ در سن پترزبورگ، وزرای حمل‌ونقل سه کشور ایران، هند و روسیه امضا کردند (Kurecic, 2010: 23). این راهرو مهم‌ترین حلقه تجارت میان آسیا و اروپا است که در مقایسه با مسیرهای سنتی از نظر مسافت و زمان تا ۴۰ درصد کوتاه‌تر و از نظر هزینه تا ۳۰ درصد ارزان‌تر است. راهرو شمال - جنوب از مسیرهای مهم انتقالی در آسیا است. کشورهای در مسیر این راهرو هر یک با تشکیل اتحادیه و بستن قراردادهای همکاری در رقابتی همه‌جانبه، به توسعه و تجهیز بندرها، جاده‌ها، پایانه‌ها و مسیرهای ریلی خود می‌پردازند. مهم‌ترین مسیر آن از هلسینکی فنلاند آغاز می‌شود و از راه روسیه به دریای خزر می‌رسد، جایی که به سه مسیر تقسیم می‌شود: مسیر غربی از راه جمهوری آذربایجان، ارمنستان و شرق ایران، مسیر مرکزی از دریای خزر به سمت ایران است و مسیر شرقی از راه قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان به شرق ایران می‌رسد. این مسیرها همه در پایتخت ایران یعنی تهران به هم پیوند می‌خورند و به بندرعباس در خلیج فارس متصل می‌شوند (Kurecic, 2010: 24).

راهرو شرق - غرب که همان جاده باستانی ابریشم است می‌تواند کالاهای انتقالی چین و آسیای مرکزی در شرق و شمال شرقی را از راه قلمرو ایران به حوزه‌های قفقاز، آسیای غربی و حوزه دریای مدیترانه منتقل کند و در مقابل کالاهای تولیدی در این نواحی را نیز به بازارهای

آسیای مرکزی و چین برساند. مسیر ایرانی راهرو شرق - غرب از مرزهای شمال شرقی ایران شامل: دوغارون، سرخس، باجگیران، لطف‌آباد و اینچه‌برون به مرزهای خروجی غربی و شمال غربی شامل جلفا، بازرگان، سرو، رازی، تمرچین، باشماق، خسروی است (Madah, 2012). همچنین طرح توسعه زیرساخت حمل‌ونقل زمینی آسیا (آلتید) برای اولین بار در چهل و هشتمین نشست (۱۹۹۲) کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه مطرح شد. این طرح چارچوبی را برای هماهنگ‌سازی یک شبکه حمل‌ونقل منطقه‌ای با تمرکز به این سه عامل تهیه می‌کند: ۱. شبکه بزرگراه آسیایی؛ ۲. شبکه راه‌آهن آسیایی؛ ۳. آسان‌کردن حمل‌ونقل زمینی.

با همکاری نزدیک کشورهای عضو، طرح قدم‌به‌قدم بر مبنای یک برنامه عمل دوساله در حال اجرا است. افغانستان، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، بنگلادش، کامبوج، چین، هند، اندونزی، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، لائوس، مالزی، مغولستان، میانمار، نپال، پاکستان، فیلیپین، کره، روسیه، سنگاپور، سریلانکا، تاجیکستان، تایلند، ترکمنستان، ترکیه، ازبکستان و ویتنام اعضای کنونی آلتید هستند (Yeganeh and Others, 2012: 4). علاوه بر راهروهای یادشده، موفقیت‌های راهروی جنوبی که از سال ۲۰۰۰ مشغول به کار شده است، این‌ها هستند:

- قطار و شبکه ریلی که از سال ۱۹۷۰ میان ایران و ترکیه از راه دریاچه وان مشغول فعالیت است؛

- شبکه موجود بین چین و قزاقستان (راه‌آهن ترکستان - سیبری و راه‌آهن روخین که در سال ۱۹۹۰ به هم وصل شد)؛

- شبکه‌ای از ایران به آسیای مرکزی (شبکه ماورای قفقاز، شاخه‌ای از آن با عنوان سرخس، تجن، مشهد در سال ۱۹۹۰ تکمیل شد)؛

- ارتباط ایران به هرات افغانستان در سال ۲۰۱۳ تکمیل شد؛

- سرویس مستقیم حمل‌ونقل بین آلمان و چین از راه روسیه از اول دهه ۲۰۰۰ آغاز به کار کرد؛

- ایران - پاکستان: خط بم - زاهدان، در اوت ۲۰۰۹ مسیری مستقیم بین اسلام‌آباد - استانبول ایجاد شد و از سال ۲۰۱۱ مرتب مشغول کار است (Railwaygazette, 2014 (a));

- خط دوم از چین به قزاقستان (خط ژیت جن - خورگس که در سال ۲۰۱۱ تکمیل شد)؛

- موافقت‌نامه‌ای بین ایران، جمهوری آذربایجان و روسیه در سال ۲۰۱۴ با هدف تکمیل راهرو شمال - جنوب بسته شد. خط پایانی آن آستارا - رشت با ۱۶۷ کیلومتر است (Railwaygazette, 2014 (b)).

از دیدگاه جهت و جریان تجارت نیز ایران در شمار برترین شریک‌های تجاری کشورهای آسیای مرکزی قرار دارد. جدول ۵ نشان می‌دهد که ایران بعد از اروپا، روسیه و چین در جایگاه چهارم صادرات به کشورهای این منطقه قرار دارد.

جدول ۵. صادرات آسیای مرکزی در سال ۲۰۱۱

کشور / منطقه	میزان (میلیارد دلار)	سهم در صادرات (درصد)
اروپا	۳۱/۹	۳۷/۷
روسیه	۱۳/۸	۱۶/۴
چین	۱۲/۴	۱۴/۶
ایران	۴	۴/۸
ترکیه	۲/۷	۳/۱
سوئیس	۱/۷	۲
آمریکا	۱/۱	۱/۳

Source: Mogilevsky, 2012: 32

این جدول نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۰ یعنی سالی که تحریم‌های اقتصادی علیه ایران تشدید شد، جمهوری اسلامی ایران در رتبه چهارمین مقصد صادراتی کشورهای منطقه با اختصاص ۴/۸ درصد از واردات این کشورها بوده است. در همین دوره زمانی ترکیه در رتبه‌ای پایین‌تر از ایران در جایگاه پنجم با ۳/۱ درصد قرار دارد. از نظر وارداتی نیز روسیه، اتحادیه اروپا، چین و آمریکا در رتبه‌های اول تا پنجم واردات از کشورهای آسیای مرکزی قرار دارند. این در حالی است که ترکیه در سال ۲۰۱۰ با اختصاص ۴ درصد از واردات این کشورها در جایگاه پنجم قرار داشت و جمهوری اسلامی ایران با اختصاص ۲/۸ درصد واردات این کشورها در جایگاه هشتم بعد از پاکستان قرار داشت.

جدول ۶. واردکنندگان اصلی کالاهای آسیای مرکزی (۲۰۱۱)

کشور	میزان واردات	سهم به درصد
روسیه	۱۷/۲	۲۷/۳
اتحادیه اروپا	۱۱/۱	۱۷/۵
چین	۶/۸	۱۰/۷
آمریکا	۴/۱	۶/۶
ترکیه	۲/۵	۴/۰
کره جنوبی	۲/۲	۳/۵
پاکستان	۱/۹	۳/۱
ایران	۱/۸	۲/۸

Source: Mogilevsky, 2012: 33.

بنابراین اگرچه ایران در ردیف چند کشور اصلی صادرکننده و واردکننده کالا به کشورهای آسیای مرکزی قرار ندارد؛ اما نمی‌توان از نقش چشمگیر اقتصاد در روابط ایران و کشورهای این منطقه غافل شد. عمل‌گرایی از عوامل اصلی گسترش روابط تجاری میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی بوده است (Hunter, 2003: 134). برآورد همه‌گزینه‌های موجود برای داشتن روابط تجاری حکایت از این دارد که نخبگان حاکم بر آسیای مرکزی به‌ویژه نخبگان ترکمنستانی، تا حدودی قزاقستانی و تاجیکستانی به اهمیت ایران به‌عنوان یکی از پایه‌های ثابت و اولویت برقراری روابط اقتصادی پی برده‌اند؛ بنابراین طبیعی است که یکی از اولویت‌های آن‌ها در این رابطه جمهوری اسلامی ایران باشد.

انگیزه‌های ژئواستراتژیک

الف) تلاش برای حفظ ایران به‌عنوان موازنه‌گر

تلاش برای حفظ ایران به‌عنوان یکی از کشورهای موازنه‌بخش در منطقه آسیای مرکزی در قالب بازی بزرگ جدید از نکته‌های مورد توجه رهبران آسیای مرکزی است. بازی بزرگ، اصطلاحی است که به رقابت‌های سیاسی و نظامی دو قدرت بزرگ قرن نوزدهم یعنی روسیه تزاری و بریتانیا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز داده شده است که با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ پایان یافت. اما اصطلاح بازی بزرگ جدید، برای توضیح عمق رویارویی‌ها از نگاه ژئوپلیتیک به‌کار گرفته شده است؛ ولی این بار نه دو کشور بلکه چند بازیگر منطقه‌ای و بین‌المللی بازی بزرگ جدیدی را در آسیای مرکزی و پیرامون دریای خزر شکل داده‌اند (Koolae, 2006: 11). در کنار قدرت‌های بزرگی چون آمریکا و روسیه می‌توان از قدرت‌های منطقه‌ای، ایران، ترکیه و اسرائیل و پاکستان نیز نام برد که هرکدام به‌دنبال نفوذ در آسیای مرکزی و حاشیه دریای خزر هستند. هدف کشورهای آسیای مرکزی از گرایش به حضور ایران در این بازی این است که باور دارند این مسئله سبب تخفیف هژمونی آمریکا در منطقه می‌شود؛ زیرا ایران سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه و اشنگتن را مخالف منافع و امنیت ملی خود ارزیابی می‌کند و در پی محدودکردن حوزه مانور و نفوذ نیروهای آمریکایی، به‌ویژه در پی بسته‌شدن دو پایگاه مهم نظامی ایالات متحده در خان‌آباد ازبکستان و مانس قرقیزستان است (Alavian and Koozgar, 2009: 67-68). همچنین کشورهای آسیای مرکزی از تعادل‌نداشتن قدرت میان ایران از یک سو و اسرائیل، ترکیه و پاکستان در منطقه آسیای مرکزی در سوی دیگر نگران هستند. رئیس‌جمهوری قزاقستان، نورسلطان نظربایف در این‌باره چیزی را بر زبان آورد که بقیه رهبران آسیای مرکزی در پی بیان آن بودند؛ ولی از بیان آن پرهیز داشتند. او در کنفرانسی خبری اعلام کرد: «اگر ما از برنامه هسته‌ای ایران سخن می‌گوییم، چرا از برنامه هسته‌ای پاکستان سخن نمی‌گوییم؟ چرا از اسرائیل سخن نمی‌گوییم که سلاح‌های هسته‌ای دارد؟»

نظربایف با این عبارت به دنبال روشن شدن ماهیت مسئله هسته‌ای ایران است، در صورتی که آمریکا و غرب خواستار پیگیری وضعیت هسته‌ای پاکستان و اسرائیل باشند. قزاقستان، همچون همه کشورهای آسیای مرکزی همیشه موضعی طرفدار ایران به خود گرفته است؛ اما در چارچوب منطق ضداسرائیلی دولت ایران قرار نگرفته است؛ ولی این موضع (حمایت از ایران) را بارها در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی به اثبات رسانده است.

تلاش برای ایجاد موازنه بین برنامه هسته‌ای ایران و اسرائیل اقدامی خشتی از سوی آستانه نیست؛ بلکه نشانه‌ای جدی از شناسایی و آگاهی از این امر است که ضعف راهبردی ایران در مقابل اسرائیل مسئله ساز خواهد بود. در مقایسه با پاکستان نیز ایران شریکی بهتر و با مشروعیت بیشتر برای کشورهای آسیای مرکزی است؛ زیرا هم باثبات تر است و هم به منافع بلندمدت منطقه پایبندی بیشتری از خود نشان داده است (Peyrouse, 2012: 2). بنابراین سقوط حکومت ایران سبب خلأ قدرتی می شود که در نتیجه آن رقبای منطقه‌ای این کشور فرصت نفوذ بیشتری را در منطقه آسیای مرکزی پیدا خواهند کرد و در بلندمدت منافع راهبردی این کشورها را به خطر خواهند انداخت. در واقع رهبران قزاقستان به خوبی پیامد حذف ایران از بازی بزرگ آسیای مرکزی را درک کرده‌اند؛ زیرا سبب به هم خوردن موازنه نیروهایی می شود که در حال حاضر به خوبی منافع آنها را تأمین می کنند.

ب) ترس از اقدام تلافی جویانه ایران و بی ثباتی در منطقه آسیای مرکزی

راه حل مسئله هسته‌ای ایران دو گزینه دیپلماسی و جنگ بود. آمریکا و اسرائیل تا قبل از حل مسئله هسته‌ای از حمله به ایران سخن می گفتند؛ اما کشورهای آسیای مرکزی به خوبی می دانستند که بی ثباتی ناشی از بی ثباتی ایران «اثر دومینو» را به دنبال خواهد داشت که نه تنها پنج کشور آسیای مرکزی، بلکه بازیگران جهانی همچون روسیه و چین را نیز در تأثیر مستقیم قرار خواهد داد؛ بنابراین آنها گزینه دیپلماسی را ترجیح می دادند؛ چرا که از نظر آنها جنگ با ایران را در سطح حمله‌ای ساده یا حتی یک عملیات نظامی ساده تصور کردن اشتباه محاسباتی است، این جنگ هزینه‌های فراوانی را برای هر دو طرف درگیری در پی خواهد داشت. به واقع انتخاب گزینه جنگ به جای دیپلماسی با در نظر گرفتن نظریه تصمیم‌گیری، هزینه‌هایی مانند مجروحان جنگی، صدمه به شهروندان و اختلال در امور اقتصادی کشور و فعال شدن متحدان خاموش ایران را به دنبال خواهد داشت. حمله به ایران یعنی شعله‌ور شدن همه منطقه. حتی حمله‌های محدود نیز می تواند به معرکه‌ای بزرگ برای آزمایش توان دو طرف و حتی متحدان و هم‌پیمانان آنها تبدیل شود. حمله به ایران متضمن ایجاد شرایط جنگی واقعی در منطقه خواهد بود. در این شرایط آمریکا هیچ‌گاه نمی تواند حدود میدان جنگ را بر اساس خواسته‌های از پیش تعیین شده خود تعیین و محصور کند. بدیهی است که نمی توان آثار ناشی از حمله به

ایران را در منطقه‌ای خاص و دلخواه دولت آمریکا محدود کرد و پاسخ ایران می‌تواند سبب بی‌ثباتی کل منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز شود. به احتمال قوی، این جنگ به حمله‌های متعدد تبدیل خواهد شد، حمله‌هایی که می‌توانند روزبه‌روز سخت‌تر و شدیدتر شوند. ارتش خسته آمریکا توان مقابله با واکنش سریع ایران را نخواهد داشت. از هر کشوری که به ایران حمله شود ایران تلاش خواهد کرد تا همان کشور را مورد تهاجم قرار دهد. آمریکا حتی توان اطلاعاتی لازم برای حمایت از عملیات نظامی را ندارد. بسیاری از مقام‌های غربی بیان می‌کنند که حمله به ایران خود سبب بی‌ثباتی در منطقه است.

در ارتباط با آسیای مرکزی می‌توان بیان کرد هرگونه حمله به ایران سبب خواهد شد که گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه به‌شکل خودکار فعال شوند و به حمله‌های ناخواسته علیه حکومت‌های غیردینی منطقه دست زنند (Koolae, 2003: 3). چیزی که متبوع کشورهای منطقه آسیای مرکزی نیست. در این میان حکومت‌هایی که پایگاه‌های هوایی را برای حمله به ایران در اختیار آمریکا قرار دهند با دو نوع حمله از داخل و خارج از این کشور روبه‌رو خواهند شد: در مرحله اول دشمنی ایران را باید بپذیرند و منتظر هرگونه حمله تلافی‌جویانه ایران در منطقه باشند و در مرحله بعد نیز زمینه را برای فعالیت و اقدام گروه‌های مخالف وضع موجود از جمله اسلام‌گرایان فراهم خواهند کرد. طبیعی است که در این شرایط آن‌ها حتی اگر موافق تحریم‌های شورای امنیت و آمریکا علیه ایران باشند، خواستار اقدام نظامی علیه ایران نیستند. اگر هرگونه حمله احتمالی علیه ایران توسط هر دولتی به‌صورت یک‌جانبه صورت بگیرد و حتی اگر جنگی محدود علیه ایران توسط اسرائیل و آمریکا صورت بگیرد، گروه‌های افراطی اسلامی، به‌سرعت در امتداد مرزهای ایران، افغانستان و پاکستان فعال می‌شوند. در منطقه آسیای مرکزی نیز گروه‌هایی همچون جنبش اسلامی ازبکستان،^۱ حزب التحریر، شبکه حقانی و طالبان تقویت خواهند شد. از آنجایی که جمعیت مسلمان محافظه‌کار در آسیای مرکزی غالب هستند، ممکن است دست به اقدام‌هایی بزنند که حکومت‌های موجود را به چالش بکشند و حتی تلاش کنند حکومتی اسلامی برپا کنند. دلیل این مسئله این است که ساختار حکومت‌های ایجادشده در آسیای مرکزی در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی، تأثیر انکارناپذیری بر رشد افراط‌گرایی مذهبی در این منطقه داشته است. به‌گونه‌ای که ویژگی آشکار دولت‌های حاکم بر منطقه، به‌کارگرفتن رویکردی غیردینی است. در این چارچوب، دولت‌های منطقه با اعلام جدایی کامل دین از سیاست براساس رویه سکولاریسم، اجرای قوانین شرعی در حکومت‌داری را نیز رد می‌کنند. هرچند در بیشتر کشورهای منطقه، به‌ظاهر فعالیت گروه‌های مختلف اسلامی در متن قانون اساسی منع قانونی جدی نداشته است؛ اما

تفسیرهای ارائه شده از آن به همراه فرمان‌های حکومتی به مانعی جدی در روند مشارکت مسلمانان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی تبدیل شده است. اندیشه استقلال ملی نتوانسته است ذهن بیشتر مردم این کشورها را تسخیر کند. این در شرایطی است که وضعیت زندگی بدتر شده است. این مسئله خود سبب می‌شود تا مردم مشروعیت سیاسی طرح‌های کشور نوپا را نپذیرند. در واقع اکنون شبکه‌های اجتماعی همبستگی منطقه‌ای، حرف اول را می‌زنند. برخلاف گروه‌های آرمان‌گرا که در دهه گذشته طرفدار یک اتحاد منطقه‌ای در لوای یگانگی ترک‌ها بودند، امروز این شبکه‌ها اتحاد منطقه‌ای را در لوای اسلام می‌خواهند.

خطر جنگ داخلی و تنش‌های ملی - قومی، همچون رویارویی ازبک - قرقیزی که به نوبه خود ممکن است به درون کشورهای همسایه سرایت کند نیز وجود دارد. در نتیجه آن، ممکن است وضعیت سیاسی و اقتصادی وخیم‌تر شود و سیل مهاجران و پناهندگان مرزها را فرا گیرد. همین مسئله نیز ناآرامی‌هایی را در پی داشته باشد (Laumulin and Others, 2012: 3). همچنین ایران همکاری‌هایی با کشورهای آسیای مرکزی در زمینه مبارزه با تروریسم و قاچاق دارو دارد و هرگونه تضعیف ایران سبب تلاش گروه‌های تروریستی و قاچاقچی دارو برای نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و بی‌ثباتی و ناامنی در آن خواهد شد (Norberg, 2012).

ملاحظات فرهنگی

ایران امروز مرزهای تمدنی گسترده‌ای دارد که در شمال تا رود سیحون، در شرق تا ترکستان چین، در غرب تا کرانه‌های مدیترانه (ترکیه کنونی) و در جنوب تا شمال هند و کشمیر و بنگال گسترده است (Eslami Nodoooshan, 2010: 3-15). در نتیجه، این حوزه تمدنی ایران کنونی، آسیای مرکزی (ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان) افغانستان، قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان) تبت و پامیر، شبه قاره هند (پاکستان، هند و بنگلادش) آسیای صغیر، بالکان و شامات قدیم (ترکیه)، بوسنی، سوریه و عراق را شامل می‌شود. به بیانی، پیوندهای تاریخی و فرهنگی ایران با منطقه آسیای مرکزی پدیده‌ای است دیرین، به عمر تاریخ منطقه و فراتر از آن، یعنی دوران پیش از تاریخ. برای نمونه، به گواه مدرک‌های باستان‌شناسی ایران و افغانستان و جمهوری‌های خراسان بزرگ، از کهن‌ترین دوران در بستر از فرهنگ‌ها و تمدن‌های شناخته شده حرکت کرده‌اند که از همسانی‌های چشمگیری برخوردار است. به شکلی که از دوران قبل از نوسنگی یعنی سنگ‌میانه آثار به دست آمده در این سرزمین‌ها با آنچه در غربی‌ترین ناحیه ایران یا جنوب شرقی و جنوب و جنوب غربی ایران پیدا شده است، همسانی‌های برجسته‌ای وجود دارد. آثار پیداشده در غارهای دره فرغانه در زرافشان با آنچه در غارهای لرستان به دست آمده است از وحدت فرهنگی - تمدنی نشان دارد.

ویژگی‌های دوران استقرار در دهکده‌ها و تشکیل نخستین جامعه‌های کشاورزی و تمدن‌های دوران مس و برنز در این سرزمین‌ها با آنچه در نواحی مختلفی چون خراسان، قفقاز جنوبی و سیستان کشف شده است، یکسانی‌های خیره‌کننده‌ای را نشان می‌دهد. بی‌دلیل نیست که دانشمندان روس در بیشتر نوشته‌هایشان کوشش کرده‌اند در نام‌گذاری‌های دوران تاریخی این منطقه، نام‌هایی را به‌کار ببرند که بتوانند واقعیت‌های تاریخی را از چشم خوانندگان پنهان دارند. آنان گرچه در متن نوشته‌ها ناگزیر از ذکر واقعیت‌ها بوده‌اند؛ ولی در عنوان فصل‌ها از به‌کاربردن نام دوران ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی درباره آثار این سرزمین‌ها خودداری کرده‌اند. آن‌ها کوشیده‌اند از بیان روشن پیوندهای تاریخی و فرهنگی این سرزمین‌ها با ایران کنونی خودداری کنند که همراه با افغانستان همه ایران بزرگ را تشکیل می‌دهد.

آنان تلاش کرده‌اند بر بخشی از تاریخ منطقه مهر تمدن یونانی بزنند و آن‌هایی که منصف‌تر بوده‌اند، عنوان ایرانی و یونانی را به‌کار برده‌اند. داریوش در کتیبه معروف نقش رستم در کنار دیگر سرزمین‌های وابسته به امپراتوری خود، از سرزمین‌های بلخ، مسغد و خوارزم به‌عنوان شهرهای ایران یاد می‌کند. این نکته از سوی مورخان یونانی و رومی نیز تأیید شده است. این روابط در عهد اشکانی و سامانی، تنگ‌تر و مستحکم‌تر شده است؛ اما اوج روابط فرهنگی ایران با آسیای مرکزی در عصر تمدن اسلامی است که نتیجه آن، پیدایی دانشمندان و فیلسوفان عالی‌قدری همچون ابوعلی سینا، فارابی، ابوریحان بیرونی و شاعرانی چون رودکی و بلخی است؛ بنابراین ایران و کشورهای آسیای مرکزی و منطقه شبه‌قاره از پیش از تاریخ، دوران باستان و در عصر امپراتوری بزرگ هخامنشی و ساسانی تا دوره اسلامی و دوره معاصر و قبل از اینکه این کشورها زیر سلطه حکومت کمونیستی قرار گیرند، مجموعه واحد و یا سرگذشت تاریخی مشترکی داشتند و پیوندهای دیرین و ناگسستنی بین آن‌ها برقرار بود. به‌شکلی که می‌توان ادعا کرد، هیچ‌یک از کشورهایی که امروزه در حاشیه آسیای مرکزی و منطقه شبه‌قاره قرار دارند، قدمت پیوند ایران با این کشورها را ندارند (Koolae, 2001: 77).

نزدیکی جغرافیایی ایران سبب بهبود این وضعیت شده است. به این معنا که فاصله اندک ایران به این کشورها و پیوندهای دینی، زمینه بسیار مناسبی برای برقراری ارتباط‌های بیشتر را فراهم کرده است که دیگر کشورهای اسلامی از آن محرومند. فاصله طولانی کشورهای عربی به این منطقه و همچنین وجود کشورهای حائل مانند ایران، در عمل میزان ارتباط‌های آن‌ها را کاهش داده است. در نتیجه، نزدیکی جغرافیایی و پیوندهای فرهنگی و تاریخی، پیوندهای زبانی، دینی سرزمین‌های حوزه خراسان بزرگ که آسیای مرکزی نیز بخشی از آن بوده است، مردم ایران و آسیای مرکزی را به اعضای یک خانواده بزرگ تاریخی و فرهنگی تبدیل کرده

است (Koolae, 2001: 85). به همین دلیل است که احمد کامل‌زاده، جامعه‌شناس و روزنامه‌نگار، در پاسخ به این پرسش که رئیس‌جمهور تاجیکستان به چه انگیزه‌ای از برنامه هسته‌ای ایران حمایت می‌کند؟ گفت: «من فکر می‌کنم امام‌علی رحمان به این علت که مردم و دولت تاجیکستان با دولت و مردم ایران، ارتباط خیلی قوی دارند از برنامه هسته‌ای ایران حمایت می‌کند.» این مسئله را وزیر امور خارجه تاجیکستان نیز چندی بعد تأکید کرد. او در نشست مطبوعاتی تصریح کرد: «ما ریشه‌های تاریخی، سنتی و جامعه‌زبانی مشترکی داریم. روابط ما با ایران بر اساس قواعد سازمان ملل متحد استوار است. روابط تاجیکستان و ایران در هیچ تغییر شایان توجهی قرار نگرفته است. ایران در طرح‌های اقتصادی ما شرکت فعالی دارد. ما برنامه‌های درازمدتی برای آینده داریم.» همه این حمایت‌ها به این دلیل است که ایران و آسیای مرکزی دو پاره از سرزمین «ایران بزرگ» با تمدن، فرهنگ، زبان، نژاد و دینی یگانه هستند که در چند سده اخیر به‌ویژه از زمان اتحاد شوروی از هم جدا شدند (Malekian, 2012: 91). در نتیجه سیطره تمدن ایرانی امروزه از زبان فارسی در کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان استفاده می‌شود. به‌شکلی که در افغانستان ۲۰ میلیون، در تاجیکستان ۵ میلیون، در ازبکستان ۷ میلیون نفر به این زبان صحبت می‌کنند. در ایران اکثریت مطلق و به‌صورت کلی در جهان بیش از ۱۱۰ میلیون نفر به این زبان صحبت می‌کنند. از نظر تاریخی، بسیاری سرزمینی را که در آن سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان پارسی‌زبان قرار دارند، ایران بزرگ می‌خوانند و همه‌جا به‌صورت رسمی یا غیررسمی مردم این سه کشور را برادران خونی عنوان می‌کنند. این سه کشور، تاریخ، زبان، ادبیات و فرهنگ مشترک دارند، اسلام نیز در پیوند مردمان این منطقه به یکدیگر، نقش اساسی دارد. شهرهای آسیای مرکزی همانند بخارا، سمرقند، بلخ، مرو، خیوه و خوارزم به‌عنوان مراکز هنرها و علوم ایرانی، مقام‌الایی در ادبیات فارسی دارند (Masica, 1991: 80).

نتیجه

دلایل کشورهای آسیای مرکزی برای نگاه مثبت به ایران به‌ویژه در موضوع هسته‌ای در چارچوب ملاحظات ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک می‌گنجد. برای نمونه، همه کشورهای آسیای مرکزی با ایران میزانی از روابط اقتصادی دارند و ایران می‌تواند در آینده به عاملی مهم برای دستیابی این کشورها به آب‌های آزاد برآورد شود. برای نمونه در حال حاضر نزدیک به ۷۰ درصد از صادرات پنبه به‌عنوان دومین محصول صادراتی ازبکستان، از راه ایران به جهان خارج صادر می‌شود. از دیدگاه امنیتی - راهبردی نیز کشورهای آسیای مرکزی از تضعیف ایران و قدرت‌گیری کشورهایی چون ترکیه، اسرائیل و پاکستان نگران هستند. به همین دلیل است که کشوری چون قزاقستان به‌روشنی اعلام می‌دارد که رویکرد غرب در برنامه

هسته‌ای ایران شفاف نیست و آن‌ها خواستار روشن‌شدن ماهیت هسته‌ای اسرائیل و پاکستان هستند؛ زیرا آن‌ها اسرائیل را با اینکه سلاح هسته‌ای دارد از قلم انداخته و ایران را در کانون توجه قرار داده‌اند. دلیل سومی که سبب می‌شود تا کشورهای آسیای مرکزی نگاه مثبتی به ایران داشته باشند، این است که آن‌ها از شیوع ناامنی و بی‌ثباتی نگران هستند که در نتیجه حمله و احیای واکنش شدید ایران به وجود می‌آید. سرانجام وابستگی‌های فرهنگی و قدرت نرم ایران در منطقه و نفوذ ایران در میان مردم کشورهای منطقه سبب می‌شود که دستگاه تصمیم‌گیری کشورهای آسیای مرکزی حتی در کشورهایی چون ازبکستان به جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری تأثیرگذار در منطقه آسیای مرکزی نگاه کنند.

References

A) English

1. Cooley, Alexander (2013), New Policy Memo: The Changing Logic of Russian Strategy in Central Asia: from Privileged Spher to Divide and Rule? Available at: <http://www.ponarseurasia.org/article/new-policy-memo-changing-logic-russian-strategy-central-asia-privileged-sphere-divide-and>, (Accessed on: 12/4/2015).
2. EIA (2008), Country Analysis Briefs: Turkmenistan , Available at: <http://www.eia.gov/EMEU/cabs/Turkmenistan/pdf>, (Accessed on: 12/3/2015).
3. Eurasianet (2008), Turkmenistan: Iran Admits Defeat in Gas Pricing Dispute , Available at: <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav042208.shtml>, (Accessed on: 7/12/2015).
4. Hunter, Shirin (2003), Iran s Pragmatic Regional Policy , **Journal of International Affairs**, Vol. 56, No. 2, pp. 133-147.
5. IEA (2014), Islamic Republic of Iran , Available at: <http://www.iea.org/statistics/statisticssearch/report/?country=Iran%20&product=oil&year=2012>, (Accessed on: 15/4/2015).
6. Kerali, Henry (2011), Transport and Trade Linkages, Central Asia and Eastern Europe , **The World Bank**, Washington D.C, Available at: <https://slideplayer.com/slide/4390550/>, (Accessed on: 29/10/2018).
7. Kurecic, Peter (2010), The New Great Game: Rivalry of Geostrategies and Geoeconomies in Central Asia **Hrvatski Geografski Glasnik**, Vol. 72, No. 1, pp. 21-48, Available at: <http://connection.ebscohost.com/c/articles/53555362/new-great-game-rivalry-geostrategies-geoeconomies-central-asia>, (Accessed on: 10/11/2018).
8. Laumulín, Murat, Vefo Niyat-bekov and Guli Yuldasheva (2012), Debating the Impact of the Iranian Nuclear Crisis in Central Asia , **CAP**, the George Washington University, the Elliott School of International Affairs, Available at: <http://centralasiaprogram.org/archives/7643>, (Accessed on: 29/10/2018).

9. Masica, Colin P. (1991), **The Indo-Aryan Language**, Cambridge University Press.
10. Mogilevsky, Robert (2012) Trends and Patterns of Foreign Trade in Central Asia **Institute of Public Administration and Policy**, University of Central Asia, Available at: <http://www.ucentralasia.org/downloads/UCA-Trends&PatternsForeignTradeCA-Rus.pdf>, (Accessed on: 12/5/2015).
11. Norberg, Johan (2012), An Attack on the Iranian Nuclear Programme Some Possible Russian Considerations **FOI**, RUFUS Briefing No. 13, Project No. A18001, Available at: www.foi.se/russia, (Accessed on: 12/12/2014).
12. Perez Martin, Miguel A. (2009), Geo-Economics in Central Asia and the Great Game of Natural Resources: Water, Oil, Gas, Uranium and Transportation Corridors (WP) , Available at: https://www.files.ethz.ch/isn/115237/WP59-2009_Geo-economics_Central_Asia_Natural_Resources.pdf, (Accessed on: 10/11/2018).
13. Peyrouse, Sebastien (2012), The Iranian Nuclear Crisis as Seen from Central Asia, on Wider Europe: Foreign Policy and Civil Society Program ,**The German Marshall Fund of the United States**, Available at: http://www.centralasiaprogram.org/images/GMFUS-Iran_seen_from_CA.pdf, (Accessed on: 11/10/2015).
14. **Railwaygazette** (2014) (a), Connecting China and Europe , Available at: <http://www.railwaygazette.com/news/single-view/view/connecting-china-and-europe.html>, (Accessed on: 12/4/2015).
15. **Railwaygazette** (2014) (b), Caspian Corridor Agreement , Available at: <http://www.railwaygazette.com/news/infrastructure/single-view/view/caspian-corridor-agreement.html>, (Accessed on: 20/5/2015).
16. Rould, Avilash (2008), The Elusive yet Abundant Hydropower in the Kyrgyz Republic , Available at: www.ecoworld.com/features/2009/01/15/hydropower-in-kyrgyzstan/, (Accessed on: 12/5/2015).
17. Yermukanov, Marat (2006), Kazakhstan Seeks Iran s Reconciliation with the West **Eurasia Daily Monitor**, Available at: <https://jamestown.org/program/kazakhstan-seeks-irans-reconciliation-with-the-west/>, (Accessed on: 12/10/2014).

B) Persian

1. Alavian, Morteza and Vali Koozegar Kaleji (2009), Foreign Policy of Iran in Central Asia **Political Science**, Vol. 12, No. 46, pp. 63-92.
2. Alison, Geraham T. (1985), **Methods of Policy Making in Foreign Policy**, Translated by Manouchehr Shojaee, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

3. Dougherty, James E. and Robert L. Pfaltzgraft (1995), **Contending Theories of International Relations: a Comprehensive Survey**, Vol. 2, Translated by Alireza Tayeb and Vahid Bozorgi, Tehran: Qomes.
4. Eslami Nodooshan, Mohamad Ali (2010), **Unseen Boundaries**, Tehran: Sherkate Sahami-e Enteshar.
5. Koolae, Elaheh (2001), Cultural Complementary School in Amu Darya , **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 9, No. 10, pp. 77-90.
6. Koolae, Elaheh (2003), The Relationship of the New American Maneuver with Israel s Threat to Attack on Iran **Omid-e Javan**, No. 339, p. 3.
7. Koolae, Elaheh (2006), **New Great Game in Central Asia: Fields and Prospects**, Tehran: Bureau of Political and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs.
8. Koolae, Elaheh and Mohammad Moadab (2009), The Role and Importance of Iran in the Energy Market of the ECO Region ,**International Journal of Foreign Relations**, Vol. 1, No. 3, pp. 33-54.
9. Madah, Mohammad (2012), The Strategic Importance of the North and South Corridor , Available at: <http://www.opex.ir/Components/News/View/NewsPDF.aspx?id=1587>, (Accessed on: 1/5/2017).
10. Malekian, Mohsen (2012), Cultural Relations between Iran and Tajikistan , **Central Eurasia Studies**, Vol. 5, No. 11, pp. 95-114.
11. Seifzadeh, Hossein (1997), **Theorizing in International Relations: Fundamentals and Forms of Thought**, Tehran: Samt [in Persian].
12. Yeganeh Mahalati, Seyamak, Heydar Zare and Aghil Mohammadi (2012), Review the Status, Strategies and Steps for Upgrading the Port of Chabahar to a Third Generation Port, Available at: <http://webcache.googleusercontent.com/search?q=cache:xfJWJktd0JwJ:old.roshd.ir/padafand/makran/1076.pdf+&cd=3&hl=en&ct=clnk&gl=ir>, (Accessed on: 10/11/2018).